

مهجور کرمانشاهی

احمد فرزند آقاخان گوران جلالی متخلص به «مهجور» در سال ۱۲۸۹ خورشیدی در کرمانشاه متولد و هنوز بیش از ده سال از سنین زندگانی را نپیموده بودند بدرد چشم شدید مبتلا و عوارض این چشم درد آن شد که قوه بینایی را از دست داد و از فرج الله جلالی در ردیف بهترین شعرای معاصر و موسیقی دانهای کرمانشاه قرار گرفت. آقای باقر شاکری مدیر روزنامه خسروی کرمانشاه ضمن شرحی که در فوق آمد در «تذکره مختصری شعرای کرمانشاه» --- از او نوشته است.

درد هجران

دیشب ز هجر یار فراوان گریستم	وز جمع غم بحال پریشان گریستم
همچون بنفشه از ستم عشق گلرخی	عمری نهفته رخ بگریبان گریستم
چون خنده شدید که اشک آورد بچشم	دیوانه وار بالب خندان گریستم
با یاد روی دوست بهر سبزه و گلی	مجنون صفت بکوه و بیابان گریستم
در کس نشان مهر و وفایی نیافتم	از فقد آن دو گوهر تابان گریستم
خواندم کتاب پرز هیاهوی زندگی	خندیدم ابتدا و بپایان گریستم
تا گوهر سرشک مرا خوار ننگرند	عمریست سر نهاده بدامان گریستم
هرگز ز دیده اشک نباریده ام ز هجر	گاهی ز فرط خشم چو مردان گریستم
بحال خضر و زندگی جاودان او	من در کنار چشمه حیوان گریستم
هرگز نخورده ام غم برگ و نوای خویش	لیکن زرنج طعنه دونان گریستم
بر هستی دو روزه به لبخند آتشین	عمری چو شمع بیخود و عریان گریستم

«مهجور» در میانه شهر و دیار خویش

از فرط رنج و غم چو غریبان گریستم